

گفت‌وگویی صبا با پوران کاوه، مترجم، شاعر و نقاش

# امروزه در حیطة ترجمه کارهای بلند قامت نمی‌بینیم



پوران کاوه یکی از شاعران و مترجمان معاصر است که در عین حال در این سال‌ها به‌عنوان یک نقاش، نمایشگاه‌های انفرادی متعددی را هم برگزار کرده است. «باران نبار زمین جای خوبی نیست»، «من، تو، آه از این خط فاصله»، «قرارمان ساعت دلواپسی»، «گزینۀ اشعار» و... برخی از دفاتر شعری او طی این سال‌ها به شمار می‌روند. کاوه همچنین در کارنامه خود ترجمه آثاری چون «بیست شعر عاشقانه و یک سرود ناامیدی»، «راز مولانا»، «جایگاه دوم»، «شب بی پایان» و... را هم ثبت کرده است. با او به مناسبت انتشار ترجمه‌های اخیرش از رمان‌های آگاتا کریستی به گفت‌وگو نشستیم.

آزاده صالحی  
گفت‌وگو

آگاتا کریستی همیشه در بین طیف مخاطبان ادبیات داستانی جهان از جمله نویسندگانی بوده که کارهایش با اقبال رو به رو شده است، کما این که تا امروز اقتباس‌هایی در قالب فیلم و سریال از رمان‌های او صورت گرفته است، اما آنچه برای من جالب است گرایش شما به سمت ترجمه کتابهایی در این ژانر است. به خصوص این که شما پیش از این به ترجمه کتابهایی در ژانرهای دیگر پرداخته‌اید. مثلاً کارهای نرودا را ترجمه کردید یا به هر حال ترجمه‌های تان رنگ و بوی رمانتیک تری داشته است، با این حال انگیزه شما برای رفتن به سمت ترجمه چنین کتاب‌هایی چه بوده است؟

در این که آگاتا کریستی در حوزه رمان جنایی در سطحی قرار دارد که کتاب‌هایش بیشترین ترجمه را به زبان‌های مختلف در دنیا داشته، شکی نیست. او توانمندانه توانسته است پیوند جذابی بین ادبیات داستانی با موضوعات جنایی به وجود آورد. من سال‌هاست شعر می‌گویم و تا امروز ۱۵ مجموعه شعر از من منتشر شده است؛ ولی همیشه معتقد بوده‌ام که باید دید فکر، اندیشه و فرهنگ دیگر جوامع درباره شعر چگونه است، به همین خاطر شروع به ترجمه اشعار دیگر شاعران معاصر جهان کردم که این ترجمه‌ها در طول سال‌ها در روزنامه‌ها و نشریات مختلف چاپ شده است. پس از آن موازی با سرودن شعر به سراغ ترجمه رفتم. دو سال پیش از سوی انتشارات «گویا» به من پیشنهاد شد تا کتاب «جایگاه دوم» نوشته ریچل کاست را ترجمه کنم. این کتاب برنده جایزه بوکر ۲۰۲۱ شده بود و من اولین مترجمی بودم که این کتاب را ترجمه کردم. بعد از آن که کتاب با اقبال خوبی از سوی مخاطبان مواجه شد، نشر «گویا» کتاب «جنایت در روز روشن» آگاتا کریستی را برایم فرستاد، من نگاهی گذرا به کتاب انداختم و به دلیل تمایل شخصی خودم و اهمیت نویسنده و تاثیری که در ادبیات جنایی جهان گذاشته است تصمیم گرفتم این کتاب را ترجمه کنم. موضوع کتاب پرکشش است و می‌تواند برای مخاطب جذابیت داشته باشد. بعد از آن هم کتاب دیگری کریستی با عنوان «شب‌های بی پایان» از طرف این نشر برای من فرستاد شد، با توجه به این که مجوز وزارت فرهنگ برای کتاب «شب‌های بی پایان» کمی دیر صادر شد و از طرفی من آن قدر جذب توانایی و اندیشه کریستی شده بودم، رمان دیگر این نویسنده یعنی «قتل در زمین گلف» را هم ترجمه کردم که در حال حاضر در دست ناشر است. اصولاً آثار جنایی در همه جای دنیا مخاطبان خاص خود را دارند، هر چند من بدون در نظر گرفتن این موضوع، در درجه اول به خاطر کششی که داستان‌های آگاتا کریستی دارد و تاثیری که بر روی من داشتند به سمت ترجمه این کتاب‌ها رفتم.

**اغلب کتاب‌های این نویسنده به دلیل داشتن شهرت جهانی، در این سال‌ها در کشور ما به وسیله مترجمان مختلف به فارسی برگردانده شده است، اما به نظر من کتاب‌هایی که شما از او ترجمه کرده‌اید تا حدودی برای مخاطب تازگی دارد.**

همان‌طور که اشاره کردید، کتاب‌های کریستی در این سال‌ها به دست مترجمان مختلفی ترجمه شده است. تا پیش از این که نشر «گویا» به من پیشنهاد ترجمه کتاب‌های او را بدهد، نسبت به ژانر جنایی بی توجه بودم و در واقع فرصتی برای وارد شدن به این ژانر را نداشتم. اما بعد از ترجمه، با باز خورد مثبتی از سوی خوانندگان این کتاب‌ها مواجه شدم. اصولاً در ترجمه روند خاصی را دنبال می‌کنم، اول کتاب را می‌خوانم و اگر با آن ارتباط برقرار کنم به ترجمه‌اش می‌پردازم. از این‌ها گذشته سعی می‌کنم کتابی را برای ترجمه انتخاب کنم که با فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فعلی ما سازگار